

حقوق فرد بازداشت شده

نه تنها بازداشت و حبس افراد در غیر مواردی که قانون تعیین کرده ممنوع است، و در همین موارد هم، باید ترتیبات قانونی، در بازداشت افراد، رعایت گردد، افرادی که تحت این ضوابط بازداشت میشوند دارای حقوقی نیز هستند که این حقوق برحسب مورد از سوی مسئولین و مأمورین مربوطه، باید رعایت شوند.....

اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مواردی از قانون آئین دادرسی کیفری، و قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) و مواد قانونی دیگر و همچنین موادی از اعلامیه‌ها و میثاق‌های بین‌المللی ناظر بر این امر میباشند که به پاره‌ای از این اصول و مواد قانونی ذیلاً اشاره میشود....

بند ۲ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ (۱۳۴۵/۹/۲۵)، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مقرر کرده:
«هرکس دستگیر میشود باید در موقع دستگیر شدن از جهات (علل) آن

مطلع شود و در اسرع وقت اخطاریه‌ای دائر به هر گونه اتهامی که به او نسبت داده میشود دریافت دارد.»^(۱)

بر اساس بند ۳ همین ماده نیز: «هر کس به اتهام جرمی دستگیر یا بازداشت (زندانی) میشود باید او را به اسرع وقت در محضر دادرسی یا هر مقام دیگری که به موجب قانون مجاز به اعمال اختیارات قضائی باشد حاضر نمود و باید در مدت معقوله دادرسی یا آزاد شود. بازداشت (زندانی نمودن) اشخاصی که در انتظار دادرسی هستند نباید قانون کلی باشد، لیکن آزادی موقت ممکن است موکول به اخذ تضمین‌هائی بشود که حضور متهم را در جلسه دادرسی و سایر مراحل رسیدگی قضائی و حسب‌المورد برای اجرای حکم تأمین نماید.»

و طبق اصل سی و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:
«..... در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد.»

متخلف از این اصل طبق قانون مجازات میشود.
و ماده ۱۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری در همین باره مقرر میکند:
«هرگاه متهمی که برحسب احضار یا جلب بیش از ۲۴ ساعت در توقیف بماند بدون اینکه مستنطق از او استنطاق نماید و بطوری که در ماده قبل ذکر شد پس از حاضر شدن متهم در نزد مدعی العموم اقدامی در استنطاق او نشوند اینگونه توقیف در ردیف توقیفاتی است که به اراده شخصی بعمل آمده در این صورت هریک از مستحفظین که مرتکب چنین جرمی شده‌اند از شغل خود منفصل میشوند.»

مستنطق و مدعی العموم نیز در ازاء تخلفی که از وظایف قانونی خود نموده‌اند از شغل خود منفصل خواهند شد.
و طبق بند یک از ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی....
«درباره کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده‌اند باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار گردد.»

(۱) - برای آگاهی از مفاد اعلامیه‌های حقوق، مراجعه شود به: اعلامیه‌های حقوق بشر گردآوری هوشنگ ناصرزاده «نشر جهاد دانشگاهی»

و بر اساس بند یک ماده ۱۷ میثاق مذکور :

«.....هم چنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیر قانونی واقع شود.»
اصل سی و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در این باره مقرر میکند:
«هتک حرمت و حیثیت کسیکه به حکم قانون دستگیر بازداشت، زندانی یا تبعید شده بهر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است»
طبق ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۱۷۸۹)
«هر کس بیگناه محسوب میشود مگر کسی که تقصیر او به ثبوت برسد.
بنابر این اگر بازداشت کسی ضروری تشخیص داده شود برای تضمین سلامت شخص او باید از هر گونه فشار به او که ضروری نباشد جداً از طرف قانون جلوگیری شود.»

و بر اساس ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸
(۱۳۲۷/۹/۱۹) مجمع عمومی سازمان ملل متحد):

«هیچکس را نمیتوان شکنجه کرد یا مورد عقوبت یا روش وحشیانه و غیر انسانی یا اهانت آمیز قرار داد.»
و طبق بند یک ماده ۱۴ همین اعلامیه نیز:

«هر کس حق دارد برای گریز از هر گونه شکنجه و فشار بجائی پناهنده شود. نیز میتواند در سایر کشورها از پناهندگی استفاده کند.»
و طبق ماده ۷ میثاق بین المللی :

«هیچکس را نمیتوان مورد آزار و شکنجه یا مجازاتها یا رفتارهای ظالمانه یا خلاف انسانی یا تردیلی قرار داد. مخصوصاً قراردادن یک شخص تحت آزمایشهای پزشکی یا علمی بدون رضایت آزادانه او ممنوع است.»
و بر اساس ماده بیستم اعلامیه اسلامی حقوق بشر (قاهره - ۱۴ محرم ۱۴۱۱ قمری ۱۵ مرداد ۱۳۶۹ شمسی - ۵ اوت ۱۹۹۰ میلادی):

«دستگیری یا محدود ساختن آزادی یا تبعید یا مجازات هیچ انسانی جایز نیست مگر به مقتضای شرع و نباید او را شکنجه بدنی یا روحی کرد یا با او بگونه ای حقارت آمیز یا سخت، یا منافی حیثیت انسانی رفتار کرد. همچنین اجبار هیچ فردی برای آزمایشات پزشکی یا علمی جایز نیست مگر با رضایت وی و مشروط بر اینکه سلامتی و زندگی او به مخاطره نیفتد، همچنین تدوین قوانین استثنائی که به قوه اجرائیه چنین اجازه‌ای را بدهد نیز جایز نمیباشد.»^(۱)

(۱) - برای آگاهی از مفاد اعلامیه اسلامی حقوق بشر، مراجعه شود به: اعلامیه‌های حقوق بشر.

و بالاخره اصل سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به صراحت شکنجه متهم برای گرفتن اقرار، و اجبار به شهادت، یا اقرار یا سوگند را ممنوع، و متخلف از مفاد این حکم را مستوجب مجازات قلمداد کرده، و فی الجمله مقرر میکند:

«هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.

متخلف از این اصل طبق قانون مجازات میشود.»
و ماده ۵۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، با اتکاء به این اصل قانون اساسی، در همین باره مقرر میکند:

«هر گاه یکی از مستخدمین و مأمورین قضائی یا غیر قضائی دولت برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی کرده یا در این باب امری دهد به حبس از شش ماه الی سه سال محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند، مرتکب مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.»

بنابر این آنچه که گفته شد وقتی که کسی به اتهامی دستگیر و بازداشت میشود باید سریعاً علت دستگیری و اتهام انتسابی، به وی ابلاغ و تفهیم گردد....

باید پس از دستگیری، در اسرع وقت، و نهایت تا ۲۴ ساعت به مرجع صالح قضائی معرفی، و مقدمات محاکمه وی فراهم گردد....

باید با کسیکه بازداشت یا محبوس گردیده، با انسانیت و احترام برخورد شده و شأن انسانی او را محترم شمرده، از هتک حرمت و حیثیت وی خودداری شود....

از شکنجه و ایداء و آزار بازداشتی و محبوس باید پرهیز گردد....
آزمایشات پزشکی بازداشتی و محبوس، باید با رضایت آزادانه خود او صورت گیرد....

بازداشتی را نباید به اقرار، یا شهادت، یا سوگند، مجبور کرد...
اضافه بر اینها، باید رژیم بازداشتگاهها و محابس، به ترتیبی باشد که در جهت اصلاح و بازسازی و سازگار کردن و اجتماعی شدن مجدد مرتکبین جرائم مؤثر باشد....

بند ۳ ماده ۱۰ میثاق بین‌المللی در این باره میگوید:

«نظام زندان‌ها متضمن رفتاری با محکومین خواهد بود که هدف اساسی آن اصلاح و اعاده حیثیت اجتماعی زندانیان باشد.

صغار بزهکار باید از بزرگسالان جدا بوده و تابع نظامی متناسب با سن و وضع قانونیشان باشند.»

طبق بند ۵ اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز، یکی از وظایف قوه قضائیه:

«اقدام مناسب برای اصلاح مجرمین میباشد.»

و بالاخره بر اساس ماده ۱۲۱ قانون آئین دادرسی کیفری، افراد وقتی باید احضار یا جلب شوند که دلایل کافی برای این کار موجود باشد.

مفاد ماده قانونی مذکور چنین است:

«مستنطق نباید کسی را احضار یا جلب کند مگر دلایل کافی برای احضار یا جلب در دست داشته باشد.»

طبق ماده ۱۱۴، جلب باید در روز بعمل بیاید، مگر در مورد ماده ۱۵ همان قانون و طبق ماده ۱۱۸ نیز:

«جلب متهم با استثنای موارد فوری روز بعمل می‌آید.»

مزید بر آنچه که گفته شد، و علاوه بر آنکه بازداشت و حبس، فقط در مواردی که قانون تعیین کرده، میتواند اعمال گردد، همچنین اضافه بر اینکه اعمال بازداشت، مستلزم رعایت ترتیبات قانونی است که موضوع نوشتار دیگر، میباشد.^(۱) در صدور قرار بازداشت، باید تناسب آن با «... اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و امحاء اثرات جرم و همچنین سابقه متهم و چگونگی مزاج و سن و حیثیت او...» رعایت شود. و ملحوظ نظر قرار گیرد، و سپس، اگر مقتضی و مناسب تشخیص داده شد، قرار بازداشت صادر گردد.

و الا چنانچه، بازپرس، قرار بازداشتی که صادر میکند نامتناسب باشد با آنچه که گفته شد، تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به‌بالا را در پی خواهد داشت،

(مواد ۱۳۰ قانون آئین دادرسی کیفری، ۳۶ آئین نامه دادرها و دادگاههای ویژه روحانیت، و ۲۶ آئین نامه نحوه رسیدگی کمیسیون تعزیرات حکومتی بخش دولتی).

(۱) - مراجعه شود به مجله قضایی و حقوقی دادگستری جمهوری اسلامی ایران، شماره ششم سال ۱۳۷۱. مقاله حبس و توقیف قانونی صفحه ۱۳۸ - ۷۷ از هوشنگ ناصر زاده

به لحاظ اهمیت امر، و اینکه بازداشت، نوعی سلب آزادی است، لذا برای حفظ حقوق افراد، صدور قرار بازداشت باید با کسب نظر و موافقت دادستان باشد، و اگر بین مستنطق و دادستان، اختلاف پیش بیاید، رفع اختلاف و صدور حکم با دادگاه کیفری ۲ خواهد بود که خارج از نوبت رسیدگی، و حکم قطعی صادر میکند...

(مواد ۳۸ قانون آئین دادرسی کیفری، و ۲۶ آئین نامه دادگاهها و دادرهای انقلاب). در مورد تعزیرات حکومتی قرار بازداشت قبلاً با اطلاع مقام بالاتر میرسد (ماده ۴ آئین نامه نحوه رسیدگی کمیسیون تعزیرات حکومتی بخش دولتی).

پس از حضور متهم نزد مستنطق، نهایتاً تا ۲۴ ساعت باید از او تحقیق بعمل بیاید و الا اگر بیش از ۲۴ ساعت در توقیف بماند و از او استنطاق نشود، توقیف غیر قانونی خواهد بود (مواد ۱۲۳ و ۱۲۴ قانون آئین دادرسی کیفری، ۱۰ آئین نامه راجع بوظایف واحد رسیدگی بشکایات و تجدید نظر در احکام کمیسیونهای تعزیرات حکومتی بخش دولتی، ۷ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹، و ۲۳ آئین نامه نحوه رسیدگی کمیسیون تعزیرات حکومتی بخش دولتی).

ضمن اینکه طبق ماده ۷ قانون مجازات مرتکبین قاچاق در این مورد، تحقیق، خارج از نوبت بعمل می آید.

و طبق ماده ۱۴ قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۴ - دادستان باید ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ بازداشت شخصی که درخواست استرداد او شده تحقیقات لازم را از او بعمل آورده و پس از تعیین هویت او و اعلام بازداشت به وی، پرونده را برای رسیدگی به دادگاه جنحه بفرستد.

طبق ماده ۱۵ همین قانون، دادگاه خارج از نوبت به موضوع رسیدگی کرده و اگر رای بر رداسترداد بدهد شخص بازداشت شده که ضمناً میتواند در جلسه دادگاه از وکیل و مترجم استفاده کند آزاد میشود.

قرار بازداشت باید به متهم ابلاغ گردد (مواد ۱۳۷ قانون آئین دادرسی کیفری، و ۵ آئین نامه نحوه رسیدگی کمیسیون تعزیرات حکومتی بخش دولتی).

دفتر مخصوصی، جهت ثبت مشخصات افراد با زداشت شده و تاریخ شروع بازداشت آنان باید در بازداشتگاه موجود باشد (مواد ۱۳۸ قانون آئین دادرسی کیفری، و ۴ آئین نامه و مقررات زندانها).

متهم حق دارد از قرار صادره مبنی بر بازداشت خود، شکایت کند (مواد ۳۸ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و بند ۲ تبصره ذیل ۳۴۳ قانون آئین دادرسی کیفری، ۷ و ۸ قانون مجازات مرتکبین قاچاق، ۱۵ قانون استرداد مجرمین، ۱ و ۲ و ۱۰ آئین نامه راجع به وظایف واحد رسیدگی به شکایات و تجدید نظر در احکام کمیسیونهای تعزیرات حکومتی بخش دولتی، تبصره یک ذیل ماده ۳ لایحه قانونی حفظ امنیت اجتماعی)، این شکایت بر اساس مواد قانونی مورد اشاره، خارج از نوبت رسیدگی میشود.

این حق شکایت باید در دستور دادستان، یا در متن قرار صادره، به صراحت قید گردد (ماده ۳۸ قانون آئین دادرسی کیفری، و ماده ۴۳ آئین نامه نحوه رسیدگی کمیسیون تعزیرات حکومتی بخش دولتی).

قرار بازداشت و حق اعتراض بدان، باید به متهم ابلاغ شود (مواد ۱۳۷ آئین دادرسی کیفری، و تبصره ذیل ماده ۴۳ فوق الذکر، و ۵ آئین نامه نحوه رسیدگی کمیسیون تعزیرات حکومتی....)

هر زمان علت توقیف زائل شود باید متهم آزاد گردد (ماده ۳۸ قانون آئین دادرسی کیفری)

اگر بین مستنطق و دادستان، در این مورد اختلاف پیش آید، دادگاه رسیدگی و حکم مقتضی صادر میکند (ماده ۳۸ مزبور).

چنانچه متهم علت توقیف خود را زائل شده دید، میتواند از مستنطق رفع توقیف خود را بخواهد و چنانچه تا پنج روز از تاریخ تسلیم درخواست، تقاضایش عملی نشود، حق دارد تاده روز پس از آن ۵ روز، بدادگاه شکایت کند. دادگاه خارج از نوبت رسیدگی میکند، و اگر درخواست او موجه باشد از وی رفع توقیف میشود (ماده ۳۸)

چنانچه در امور جنحه تا دو ماه، و در امور جنائی تا چهارماه، متهم در توقیف باشد و پرونده وی منتهی به صدور کیفرخواست نگردد، مرجع صادرکننده قرار ملزم است، قرار را فک کند، و یا آن را تخفیف دهد مگر اینکه بقاء قرار به جهات قانونی و به علل موجه، لازم باشد، که در اینصورت نیز متهم در بازداشت، حق شکایت خواهد داشت (تبصره ۲ ذیل ماده ۱۲۹ قانون آئین دادرسی کیفری).

طبق ماده ۹ از مواد مصوبه ۱۳۰۸/۹/۶ وزارت دادگستری نیز، اگر مستنطق قرار منع تعقیب صادر کند، و یا دادگاه او را تبرئه کند، در ضمن همان قرار یا حکم، قرار تأمین الغاء میشود.

اینکه متهم در بازداشت است، برای تسریع در دادرسی، و حفظ حقوق او، باید در کیفر خواست دادستان قید و تصریح گردد (ماده ۱۷۰ قانون آئین دادرسی کیفری).

در صورت حکم به برائت متهم و یا تعلیق مجازات او، چنانچه به دلیل دیگری بازداشت نباشد باید فوراً آزاد گردد (ماده ۹ مصوبه ۱۳۰۸/۹/۶ وزارت دادگستری، و مواد ۳۳۶، ۳۴۴، ۳۵۶ و ۴۸۳ قانون آئین دادرسی کیفری، و ماده ۳۹ قانون راجع به محاکمات جنائی و ماده ۳۹ آئین نامه نحوه رسیدگی کمیسیون تعزیرات حکومتی).

و همچنین طبق ماده ۲۲ قانون راجع به استرداد مجرمین (مصوب ۱۳۳۹/۲/۱۴) در صورتیکه اوراق استرداد، از تاریخ بازداشت تا یک ماه، و دو ماه به ترتیب برای کشورهای همجوار، و سایر دول، و اصل نشود شخص بازداشت شده طبق دستور دادستان آزاد می‌گردد.

طبق ماده ۳۲۹ ب آئین دادرسی کیفری، در جریان رسیدگی دادگاه به اتهام او، چنانچه دادگاه استماع شهادت شهود یا اطلاعات اهل خیره را مقرر کند، متهم در بازداشت، در جلساتی که بدین منظور در دادگاه محل توقیف او تشکیل شود میتواند حضور پیدا کند.

و بر اساس ماده ۲۴ قانون محاکمات جنائی، متهم در بازداشت، در معیت مأمورین مستحفظ خود، آزادانه در دادگاه حاضر می‌گردد.

چنانچه بازداشتی بخواهد، در تحقیقات محلی حضور داشته باشد، به محل تحقیقات اعزام می‌گردد. (ماده ۱۵۸ قانون آئین دادرسی کیفری).

طبق قسمت اخیر ماده ۱۶۹ اصلاحی ۱۳۳۷/۵/۱، همان قانون، رسیدگی فرجامی، مانع از رسیدگی به درخواست تخفیف تأمین نمی‌گردد.

بر اساس مواد ۳ و ۷ آئین نامه اجرای قانون تشدید مجازات اشخاص بد سابقه و شرور، و ماده ۱۰ آئین نامه اصلاحی اجرای قانون مذکور، فرد بازداشتی یا تبعیدی، چنانچه نصف مدت مقرر را تحمل کرده و گذرانده باشد میتواند درخواست بخشودگی بقیه مدت را بنماید.

و بالاخره طبق ماده ۴۹۱ قانون آئین دادرسی کیفری، متهمی که تبرئه میشود، میتواند به هزینه خود، حکم برائتش را در روزنامه و مطبوعات رسمی چاپ کند. بازداشتی قاعداً باید بطور انفرادی نگهداری شود، ولی به علت کمبود مکان، اینکار بعضاً میسر نمیشود، و با محکومین، در یکجا نگهداری میشود، که این امر، از دیدگاه جرم شناسی، و علوم جنائی صحیح و موجه

نمی‌باشد. حتی آقای «جان هاوارد» محقق اروپائی پس از مطالعه در مورد زندانهای اروپا، اعتقاد پیدا کرد که با توجه به وضعیت زندانها، متهمین در هتل‌های درجه ۳ نگهداری شوند^(۱)

مستفاد از تبصره ذیل ماده ۱۱۲ قانون آئین دادرسی کیفری که میگوید: «متهم میتواند یک نفر از وکلاء رسمی دادگستری را همراه خود داشته باشد...»

و با عنایت به ماده ۸۹ آئین نامه و مقررات زندانها مصوب ۱۳۶۸/۳/۲۹ متهم در بازداشت میتواند با وکیل خود ملاقات کند و همچنین با همسر و فرزند و پدر و مادر خویش نیز میتواند ملاقات نماید، مگر اینکه ممنوع الملاقات باشد (ماده ۸۵ آئین نامه).

ولی به هر حال در مرحله تحقیق، با تجویز بازپرس، و پس از صدور قرار مجرمیت، با موافقت دادستان، میتواند اجازه ملاقات داشته باشد (مواد ۸۲ تا ۹۸ آئین نامه...)

میتواند به خانواده خود، و به مقامات مملکتی نامه سرگشاده و تلگراف بفرستد، و مأمورین مربوطه باید در جهت ارسال آن اقدام لازم معمول دارند (ماده ۵۱ تعزیرات)، و مواد ۹۹ تا ۱۰۱ آئین نامه و مقررات زندانها).

«شکایت عرض حال و حاجت کسی را که دسترسی به بزرگان ندارد (مانند مقامات عالی رتبه مملکتی، اگر توانائی دارید برسانید زیرا هر کس حاجت در مانده‌ای را به بزرگان برساند در روز رستاخیر خداوند پاهای او را بر صراط محکم میدارد. (۲)

بازداشتی و محبوس حق دارد از بهداشت و درمان، از آموزش و پرورش و تربیت بدنی، برخوردار باشد، فرائض دینی خود را انجام دهد، از درآمدکار خود منتفع گردد، از فروشگاه زندان خرید نماید، از برنامه تفریحات سالم موردتایید مسئولین، استفاده کند، به کتابخانه زندان مراجعه کند، از غذای زندان که طبق برنامه و به تناسب فصل تهیه میشود، تغذیه گردد، و چنانچه بیمار باشد با تجویز پزشک، غذای مخصوص مصرف کند، لباس مخصوص زندان را بپوشد که لباس متهم و محکوم با علامت خاص مشخص میگردد، از وسایل خواب، و امکانات نظافت شخصی و آرایشگاه و استحمام بهره‌مند شود، در مورد نگهداری، یا

(۱) - نشریه دانشکده حقوق - شماره ۱۲، ص ۹ - مقاله دکتر محمد آشوری.

(۲) - نهج الفصاحه - ص ۲۷۷ تألیف جواد فاضل.

تحويل، و یا ارسال وجوه نقدی و لوازم شخصی او، به منسوبینش اقدام لازم معمول گردد. محبوس میتواند در حدود ضوابط موجود درخواست انتقال نماید. زندانی زن میتواند اطفال خود را تا دو سال تمام به همراه داشته باشد. اطفال ۲ تا ۵ سال منفک و در مهد کودک نگهداری، و یا به مؤسسات نگهداری اطفال تحويل شوند.

«طفل رضیع را از مادری که محکوم به حبس یا تبعید شده جدا نمی کنند مگر اینکه مادر بخواهد که طفل را به پدر یا اقربای دیگر او بسپارد.» (ماده ۴۸۸) به تخلفات زندانیان در شورای انضباطی، و به جرائم آنان بوسیله مراجع قضائی، رسیدگی میشود.

حسن رفتار زندانی موجب تشویق او از سوی مسئولین زندان میباشد و مورد در پرونده شخصیت او منعکس میگردد.

مبداء محاسبه مدت حبس ازم زمانی شروع میشود که محکوم به موجب حکم قطعی قابل اجراء، محبوس شده است (ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی).

لیکن اگر محکوم، قبلاً به لحاظ موضوع همان محکومیت، در بازداشت بوده باشد ایام بازداشت قبلی، جزء مدت حبس به حساب خواهد آمد (تبصره ذیل همین ماده قانونی، و ماده ۳۰۹ قانون دادرسی و کیفر (مصوب ۱۳۱۸).

آرائی نیز در این مورد از سوی دیوان عالی کشور صادر شده که از آن جمله اند: رای شماره ۵۷۹-۹۴۸-۱۵ خرداد ۱۳۱۶، رای شماره ۳۳۳-۱۳۴۶/۱/۲۴ رای شماره ۲۴۶-۱۳۴۷/۱/۲۰.....

اگر درباره محکوم، قرار تعلیق اجرای مجازات صادر شود و اجرای حکم مجازات حبس تماماً معلق شود، چنانچه در بازداشت باشد، فوراً مرخص میگردد (ماده ۲۷ قانون مجازات اسلامی) مگر اینکه به لحاظ دیگری ترخیص وی ممکن نباشد.

بازداشتی ملزم به کار نیست مگر به درخواست خود و با موافقت دادستان. آقای دکتر رضا علوی، در کتاب: «روش اداره زندان» در باره متهمانی که در بازداشت بسر میبرند، می نویسد:

«اداره زندان..... وظیفه دارد متهم را به نحوی نگاهداری کند که نتواند فرار نماید و نتواند بدون اجازه قاضی با اشخاص ثالث ارتباط حاصل نماید، بنابراین اداره زندان باید اقدامات لازم برای انجام این وظیفه بنماید متهم باید بی گناه

فرض شود و بجاست که در این مورد اصرار شود، تمام شدت عمل‌های بی‌فایده که ممکن است مجازات قبل از صدور حکم تلقی شود باید ممنوع گردند. علاوه بر این وظیفه اداره زندان ایجاب میکند که اقدام احتیاطی (قرار بازداشت) تا آنجا که میسر باشد کم بزندانی آسیب برساند، بنابراین باید زندانی را در وضع جسمانی خوبی نگهداشت. باو غذای مناسب داد، او را در محل‌هایی که دارای بهداشت کافی هستند جای داد و باو اجازه داد نظافت خود را مراقبت کند، ورزش نماید و اگر بیمار باشد او را معالجه کنند. همچنین باید نسبت به سلامت اخلاقی او مراقبت کرد بویژه از تماس او با افراد فاسد که ممکن است تاثیر زیان‌آوری در او داشته باشند جلوگیری نمود. این تعهدات که صرفاً جنبه منفی دارند تنها تعهدات اداره زندان نیستند. در این دوره حیات زندانی که اهمیت فوق‌العاده دارد شرافت، آزادی، آینده و گاهی حیات زندانی در معرض خطر است.

بنابراین اداره زندان نمیتواند نسبت باین درامی که بازی میشود بی‌تفاوت باشد. تکلیف اداره زندان این است که دادرسان را کمک کند تا آنها بتوانند نه تنها اعمال بزهکارانه را کشف کنند بلکه کسی را هم که مرتکب این اعمال شده است بهتر بشناسد. این شناسائی شخصیت ایجاب میکند که بازجوئی اجتماعی با آزمایش علمی و روانشناسی و روان پزشکی بعمل آید. اداره زندان باید سرویس‌های خود را طوری منظم کند که بتواند بنحو مؤثری این آزمایش را میسر سازد. (۱)

رای وحدت رویه :

در مورد قبول یا عدم قبول شکایت متهم از ابقاء قرار تأمین موضوع تبصره ذیل ماده ۱۲۹ قانون آئین دادرسی کیفری، هیئت عمومی دیوانعالی کشور طی رأی وحدت رویه ردیف ۴/۵۸ - ۱۳۵۹/۱۰/۲۰، چنین اظهار نظر کرده است: «با توجه بعموم و اطلاق تبصره ماده ۱۲۹ قانون آئین دادرسی کیفری که مقرر میدارد در هر مورد که بعلت صدور یکی از قرارهای تأمین موضوع ماده مذکور متهم توقیف گردد و در امر جنائی تا چهار ماه و در امر جنحه تا دو ماه درباره او کیفر خواست صادر نشود مرجع صادرکننده قرار مکلف بפק یا تخفیف

قرار تأمین است مگر اینکه جهات قانونی یا علل موجهی برای بقای قرار تأمین وجود داشته باشد که در اینصورت با ذکر علل و جهات مذکور قرار ابقاء میشود و متهم حق شکایت از این تصمیم خواهد داشت و نظر باینکه آن قسمت از ماده ۴۰ قانون آئین دادرسی کیفری که حق شکایت از توقیف ناشی از قرار وثیقه‌ای را که صدور آن قانوناً الزامی بوده سلب کرده است منحصرأ ناظر به اولین قرار وثیقه‌ای است که منتهی به توقیف متهم شده است و مغایرتی با حکم مقرر در تبصره ماده ۱۲۹ که ناظر بادامه توقیف متهم تا دو ماه در امر جنحه یا چهار ماه در امر جنائی و عدم صدور کیفر خواست در مدت‌های مذکور است لذا رأی شعبه ۱۹ دادگاه جنحه تهران مبنی بر قبول شکایت متهم از ابقاء قرار تأمین موضوع تبصره ماده ۱۲۹ قانون آئین دادرسی کیفری صحیح و موجه تشخیص داده میشود. این رای طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده بقانون آئین دادرسی کیفری از طرف دادگاهها لازم‌الاتباع است.»^(۱)

ممنوعیت وارد کردن مواد مخدر به بازداشتگاه و زندان، و مراکز بازپروری:

در اینجا بی‌ارتباط و بی‌فایده نیست که به حکم ماده ۱۲ مصوبه ۱۳۶۷/۸/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی، مبنی بر ممنوعیت داخل کردن مواد مخدر به بازداشتگاهها، محابس، و مراکز بازپروری معتادین به مواد مخدر اشاره شود.

مفاد ماده مذکور چنین است:

«ماده ۱۲ - هر کس مواد مخدر را به داخل زندان یا بازداشتگاه یا اردوگاه بازپروری و نگهداری معتادان وارد نماید حسب مورد به اشد مجازات‌های مذکور در مواد ۴ تا ۹ محکوم میگردد و در صورتی که مرتکب از مأموران دولت باشد به انفصال دائم از مشاغل دولتی نیز محکوم میشود.

هرگاه در اثر سهل‌انگاری و مسامحه مأموران مواد مخدر به داخل این مراکز وارد شود مأموران خاطی به تناسب به مجازات:

الف - تنزل درجه

ب - انفصال موقت

ج - انفصال دائم، محکوم میشوند.»

تأثیر درخواست تجدیدنظر، در آزادی متهم:

اداره حقوقی وزارت دادگستری، در مورد اینکه در خواست تجدید نظر، موجب آزادی متهمی که در بازداشت است. میگردد یا نه؟ طی نظریه ۷/۷۰۹۹ - ۱۳۶۷/۱۰/۲۷، چنین اظهار نظر کرده است:

«..... درخواست تجدید نظر نسبت به احکام قطعی سابق نمیتواند تاثیری در اجرای آنها داشته باشد توضیح اینکه احکام کیفری حضوری سابق الصدور که از طرف دادسرا درخواست تجدید نظر نسبت به آنها شده است قطعی و لازم اجراء میباشد.....»

بر اساس قسمت دیگری از همین نظریه:

«اگر متهم به موجب قرار تأمین زندانی باشد نه در اجرای احکام، درخواست تجدید نظر موجب آزادی او نمیشود مگر اینکه تأمین مقرر را بسپارد اما اگر در اجرای احکام زندانی باشد چون با شروع به اجرای احکام تأمین ساقط میشود برای آزادی متهم اخذ تأمین به ترتیبی که ذکر شد.... ضروری است^(۱). بر اساس بندیک این نظریه، در این مورد مرجع تبدیل و یا اخذ تأمین «دادگاهی است که پرونده در آن مطرح است و دادستان میتواند اخذ تأمین کند».

بخشودگی بازداشتی:

در پاره‌ای مواد قانونی، تحت شرایطی، بخشودگی قسمتی از مدت بازداشت پیش بینی شده که از آن جمله به دو مورد زیر اشاره میشود..... بر اساس تبصره ۳ ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۱ تیر ماه ۱۳۵۱:

«.... در صورتیکه محکوم علیه پس از تحمل نصف مدت بازداشت بدل از جریمه نتواند جزای نقدی یا ضرر و زیان مدعی خصوصی را بپردازد و به موجب حکم دادگاه صادر کننده حکم جزائی نیز معسر شناخته شود از زندان آزاد میشود ولی حق مدعی خصوصی محفوظ خواهد بود و هر وقت مالی از محکوم علیه بدست آید میتواند نسبت باستیفای طلب خود اقدام نماید. حکم دادگاه بر قبول یا رد اعسار قطعی است.»

تبصره ۴: احکام ضرر و زیانی که باستناد احکام جزائی از دادگاه حقوق صادر میشود مشمول مقررات فوق خواهد بود.»

در ماده دوم همین قانون نیز چنین آمده است:

«وزارت دادگستری میتواند محکوم به جزای نقدی را که سابقه تکرار جرم نداشته باشد در صورتیکه مالی از او بدست نیاید بدرخواست دادستان مجری حکم و باتوجه بوضع اخلاقی و رفتار محکوم علیه و رعایت شرایطی که در آئین نامه تعیین خواهد شد از تمام یا قسمتی از توقیف ما به ازاء جزای نقدی معاف دارد.

آئین نامه مربوط از طرف وزارت دادگستری تهیه و پس از تصویب کمیسیون دادگستری مجلسین به موقع اجراء گذاشته خواهد شد.»

ماده یک آئین نامه اجرائی ماده مذکور، مصوب ۱۳۵۱/۹/۷ ناظر بر همین امر میباشد و چنین مقرر میکند:

«وزارت دادگستری میتواند محکوم علیه به جزای نقدی را به درخواست دادستان مجری حکم با رعایت شرایط زیر از تمام یا قسمتی از توقیف مابه ازای جزای نقدی معاف کند:

الف - محکوم علیه سابقه تکرار جرم نداشته باشد.

ب - از محکوم علیه مالی بدست نیامده باشد.

ج - محکومیت به جزای نقدی مربوط به جرم ارتشاء یا اختلاس یا جرائم که در سایر قوانین در حکم اختلاس شناخته شده یا جرائم موضوع مواد ۱۵۲ تا ۱۵۷ قانون مجازات عمومی یا ارتکاب هر گونه قاچاق اموال موضوع عواید دولت، و شهرداری یا تخلف از مقررات ارزی یا قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی نباشد.

د - برای تادیه جزای نقدی تضمین یا وثیقه سپرده نشده و یا قرار تقسیط داده نشده باشد.

ه - در موردی که محکومیت به جزای نقدی تضمین یا وثیقه سپرده نشده و یا قرار تقسیط داده نشده باشد.

و - در موردی که محکومیت به جزای نقدی توأم با حبس باشد مدت حبس سپری شده باشد.

به موجب ماده ۲۱ قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸/۹/۱۰ نیز:

«دادگاه اطفال بر حسب گزارش‌هایی که از وضع اطفال و تعلیم و تربیت آنها از طرف کانون اصلاح و تربیت میرسد میتواند در تصمیمات قبلی سابق یک بار تجدید نظر نماید باین طریق که مدت‌های مذکور را یک ربع تخفیف دهد...».

طبق تبصره یک ذیل ماده ۳ لایحه قانونی حفظ امنیت اجتماعی مصوب ۱۳۳۶/۱۲/۲۲، چنانچه محکوم به اقامت اجباری، یا ممنوع از اقامت در نقطه معین، محل را ترک کند و یا به محل ممنوع برود تمام یا قسمتی از مدت محکومیت وی، به بازداشت تبدیل میشود، ولی باید توجه داشت که:

اولاً این بازداشت قابل اعتراض و رسیدگی خارج از نوبت است و چنانچه اعتراض وارد باشد فوراً آزاد میگردد.

ثانیاً مدت هر بازداشت از این لحاظ نباید از سه ماه تجاوز کند، و در هر حال نباید بیش از بقیه مدت محکومیت به اقامت، یا ممنوعیت از اقامت باشد.

تاثیر بازداشت بروضعیت ترفیع پرسنل نظامی:

طبق ماده ۸۶ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۶/۷/۷: وضع ترفیع پرسنلی که تحت تعقیب قانونی قرار می‌گیرند بشرح زیر خواهد بود:

الف - در صورتیکه در مراجع قضائی تحت پیگرد قانونی قرار گیرند و با قرار صادره از مراجع ذیصلاح بازداشت شوند از تاریخ بازداشت ترفیع معلق میگردد مشروط بر اینکه تاریخ بازداشت قبل از تاریخ استحقاق ترفیع باشد.^(۱) و طبق ماده ۹۹ همین قانون، پرسنلی که بر اساس قرار یا حکم مراجع قضائی بازداشت یا حبس شوند بدون کار میگردند و ایام بدون کار آنها از لحاظ بازنشستگی جزء ایام خدمت به حساب می‌آید ولی از لحاظ ترفیع جزء ایام خدمت محسوب نمیگردد.

ماده ۱۸۳ آئین نامه اجرائی خدمت وظیفه عمومی (۶۳/۷/۲۹) مصوب ۶۴/۵/۱۳ هیئت وزیران:

«پرسنل وظیفه‌ای که توسط مقامات قضائی زندانی میشوند در زمان بازداشت ارتباط آنان با نیرو یا سازمان مربوطه قطع و از کسوت نظامی خارج خواهند شد.»

تبصره ۱ - هرگاه بازداشت پرسنل وظیفه توسط مقامات قضائی در دوره آموزش باشد در صورت اعاده به خدمت چنانچه مدت بازداشت بنابه تشخیص شورای آموزش یا فرهنگی مرکز آموزش موجب لطمه به آموزش گردد دوره آموزش آنان تجدید خواهد شد و در غیر این صورت بقیه دوره آموزش را ادامه خواهند داد

(۱) - برای آگاهی از مفاد قانون ارتش، مراجعه شود به: مجموعه قوانین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران. تدوین هوشنگ ناصرزاده.

و در صورتیکه مدت بازداشت پس از خاتمه آموزش و در حین خدمت باشد بقیه خدمت دوره ضرورت را بدون احتساب ایام بازداشت انجام خواهند داد.
تبصره ۲ - مدت زندانی جزو خدمت وظیفه محسوب نخواهد شد.

تاثیر حبس بر وضعیت خدمت سربازی:

با توجه باینکه طبق ماده ۱۱ قانون وظیفه عمومی مصوب ۱۳۵۰ شمسی، کسانی که قبل از انجام خدمت سربازی، به دو سال حبس جنائی یا بیشتر محکوم شوند و این مجازات درباره آنها اجراء گردیده باشد، از انجام خدمت سربازی محروم میگردند، شکایتی علیه اداره وظیفه عمومی مطرح که منتهی به رأی شماره ۱۵۱ کلاسه پرونده ۷/۶۹ مورخ ۱۳۶۹/۶/۲۲ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری شده است...

خلاصه‌ای از گردش کار، و همچنین متن رای صادره که در ضمیمه روزنامه رسمی (شماره ۵۷۵) آمده، عیناً نقل میگردد:

مقدمه - شاکی بشرح دادخواست تقدیمی اعلام داشته است: برطبق ماده ۱۱ قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۵۰ شمسی «کسانی که قبل از اعزام بخدمت زیر پرچم بموجب احکام قطعی دادگاهها بعلت ارتکاب جنایت به دو سال حبس یا بیشتر محکوم و مجازات مقرر درباره آنها اجراء شده باشد از انجام خدمت زیر پرچم محروم خواهند شد»، این حکم در قانون وظیفه‌ای که در سال ۱۳۶۳ تصویب شده وجود ندارد. ماده ۶۷ قانون جدید میگوید:

«کلیه قوانین مغایر با این قانون از تاریخ تصویب این قانون ملغی است». اداره وظیفه عمومی دستورالعملی بشماره ۲۳۲ - ۴۰۱/۱۵ در تاریخ ۶۷/۱۲/۲۶ صادر نموده است که بند ۶۱ آن بشرح زیر ناظر به ماده ۱۱ قانون قدیم وظیفه عمومی است، به مشمولانی که قبل از تاریخ ۶۳/۷/۲۹ به موجب حکم قطعی دادگاه بدو سال یا بیشتر زندان محکوم شده و تا آن تاریخ حداقل ۷۱۸ روز تحمل زندان را نموده باشند کارت محرومیت از خدمت داده میشود»، دستورالعمل صادره بر خلاف قانون است زیرا اولاً قانون جدید فقط مقررات مغایر را منسوخه اعلام داشته است درحالیکه ماده ۱۱ قانون نظام وظیفه قدیم «مصوب ۱۳۵۰» با هیچ یک از مواد قانون جدید مغایر نیست و قانون جدید نه ضمناً و نه صریحاً این ماده را نسخ نکرده است. ثانیاً بفرض آنکه ماده ۱۱ قانون مصوب ۱۳۵۰ را منسوخه بدانیم کسانی که در دوره حکومت آن قانون

محکومیت قطعی یافته و اجرای حکم درباره آنها شروع شده است هم چنان مشمول آن ماده میباشند اعم از آنکه دوره دو ساله محکومیت را قبل از تاریخ تصویب قانون جدید یا بعد از آن گذرانده باشند. دقت در دو ماده ۱۱ و ۱۲ قانون قدیم میرساند که منظور قانونگذار از وضع ماده یازده و تفکیک حبس جنائی و جنحه‌ای از یکدیگر این بوده است که محکومین به دو سال یا بیشتر حبس جنائی بطور کلی از خدمت محروم باشند و همینکه محکومیت حبس جنائی دو ساله درباره کسی قطعی میشد چنین کسی مشمول ماده یازده میگردید بنابراین دستورالعمل مورد اعتراض که میگوید دو سال حبس باید قبل از ۱۳۶۳/۷/۲۹ اجراء شده باشد با قانون منطبق نیست بفرض آنکه ماده ۱۱ قانون مصوب ۱۳۵۰ بر طبق قانون جدید منسوخ باشد و محکومیت دو ساله باید تماماً قبل از تاریخ تصویب قانون جدیدالاجراء شده باشد، تعیین روز ۶۳/۷/۲۹ بعنوان تاریخ تصویب درست نیست زیرا تصویب در مجلس شورای اسلامی با تصویب نهائی تفاوت دارد. بنابراین بند ۶۱ دستورالعمل ۴۰۱/۱۵/۲۳۲ - ۶۷/۱۲/۲۶ اداره وظیفه عمومی بر خلاف قانون صادر شده و تقاضای صدور حکم بر ابطال آن را دارد.

ریاست محترم اداره وظیفه عمومی در پاسخ بشکایت مذکور طی نامه شماره ۱۳۶۸/۸/۲-۴۰۱/۰۶/۱۰/۶۳۳/۶۸ اعلام داشته است: ۱- باتوجه به مفاد مواد ۱ و ۶۷ قانون خدمت وظیفه عمومی ادعای مشارالیه فاقد وجه قانونی است زیرا که ماده یک قانون خدمت وظیفه عمومی موارد استثنائات از انجام خدمت مقدس سربازی تعیین و ماده ۶۷ صراحتاً لغو کلیه قوانین مغایر با ماده یک را بیان دارد.

۲- در مورد ادعای اینکه باستناد ماده ۱۱ قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۵۰ کسانیکه به دو سال حبس محکومیت حاصل می نمایند و مدت تحمل کیفر آنان بعد از تصویب قانون خدمت وظیفه عمومی ۱۳۶۳/۷/۲۹ باتمام برسد میبایستی از مزایای ماده ۱۱ استفاده نمایند ادعائی واهی و بی اساس است زیرا با توجه به ماده ۴ قانون مدنی و مواد ۱ و ۶۷ قانون خدمت وظیفه عمومی قانونگذار تکلیف این قبیل افراد را در تاریخ تصویب قانون مشخص نموده است.

۳- در مورد ادعای اینکه تاریخ تصویب قانون ۶۳/۹/۸ میباشد این ادعا

نیز مردود است زیرا که قانونگذار بصراحت در متن قانون تاریخ تصویب آن را ۶۳/۷/۲۹ اعلام نموده است ولی خواهان تاریخ لازم الاجراء شدن قانون را با تاریخ تصویب یکسان میدانند در حالیکه این مورد متفاوت بوده است.

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق بریاست آیت الله سید ابوالفضل موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت بصدور رأی می نماید. رأی - بر فرض که بند ۶۱ دستورالعمل ۴۰۱/۱۵/۲۳۲ - ۶۷/۱۲/۲۶ اداره نظام وظیفه عمومی در مقام اجرای مفاد ماده ۱۱ قانون نظام وظیفه عمومی مصوب سال ۱۳۵۰ بیان مطلب نموده باشد نظر به اینکه حداقل مدت حبس تعیین شده در ماده ۱۱ مرقوم دو سال شمسی یعنی ۷۳۰ روز و در بخشنامه مذکور حداقل تحمل این حبس به ۷۱۸ روز تقلیل داده شده از این حیث خلاف قانون تشخیص و مستنداً به ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال میگردد.» (۱)

آیا بازداشتی حق ثبت نام در دانشگاه را دارد؟

در مورد اینکه آیا بازداشتی حق ورود به دانشگاه را دارد یا نه؟ شورای عالی انقلاب فرهنگی در یکصد و نودمین (۱۹۰) جلسه خود در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۶، چنین تصمیم گرفته است:

«در خصوص داوطلبانی که در کنکور قبول شده اند ولیکن در هنگام ثبت نام در بازداشت بسر می برده اند تصویب گردید که:

۱ - داوطلبانی که در بازداشت بوده اند و بعداً تبرئه شده اند، میتوانند وارد دانشگاه شوند و در رشته هائی که قبول شده اند ثبت نام نمایند. دانشگاه مزبور باید با این داوطلبان مانند کسانی رفتار کند که هیچ سابقه سوئی نداشته اند.

۲ - داوطلبانی که جرمی مرتکب شده ولی بعداً توبه کرده اند یا مشمول عفو واقع شده یا دوره محکومیت خود را سپری کرده اند باید بوزارت خانه مربوطه (فرهنگ و آموزش عالی یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) خود را معرفی کنند و وزارت خانه پس از نظر خواهی از مراجع قضائی و اطلاعاتی و غیره و

هم‌آهنگی با آنان می‌تواند هر تصمیمی که مقتضی میدانند اتخاذ نماید». (۱)

بازداشت و حبس، عذر موجه برای عدم حضور:

چنانچه شخصی بموجب احضاریه، احضار گردد، لیکن در موعدی که برای حضور او تعیین گردیده، در بازداشت یا حبس باشد، این وضعیت، از جمله معاذیر موجه برای عدم حضور او در مرجع احضار کننده بشمار می‌آید....

ماده ۱۱۳ قانون آئین دادرسی کیفری در بند ۶ خود، به این امر صراحت دارد و می‌گوید:

«جهات ذیل عذر موجه محسوب است:

.....

.....

۶ - در توقیف یا حبس بودن»

در بازداشت یا حبس بودن نیز، برای کفیل، عذر موجه در عدم ایفاء بموقع تعهدش تلقی می‌گردد....

بند ۴ ماده ۱۳۶ مکرر قانون آئین دادرسی کیفری ناظر بر این امر است و مقرر می‌کند:

«۴ - هرگاه کفیل بخواهد ثابت کند در موارد مذکور در ماده ۱۱۳ آئین دادرسی کیفری مکفول نتوانسته حاضر شود یا اینکه خودش بیکی از آن جهات نتوانسته مکفول را حاضر کند و همچنین متهم برای برائت خود به ماده ۱۱۳ متوسل شود.»

این معنا، از ماده ۷۵۱ قانون مدنی هم مستفاد می‌گردد.

حق ملاقات مأموران کنسولی با زندانی تبعه بیگانه:

در بند ج ماده ۳۶ کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی ۲۴ آوریل ۱۹۶۳ حق ملاقات مأموران کنسولی با تبعه دولت فرستنده که در کشور میزبان زندانی می‌باشند پیش بینی شده که به لحاظ ارتباط آن، با حقوق بازداشتی، عیناً نقل می‌گردد:

«مأموران کنسولی حق خواهند داشت تبعه دولت فرستنده را که زندانی یا

(۱) - مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، ضمیمه روزنامه رسمی شماره ۱۲۹۵۹ - ۶۸/۶/۸ -

بازداشت یا توقیف شده است ملاقات و با او مذاکره و مکاتبه نمایند و ترتیب نمایندگی قانونی او را بدهند. مأموران کنسولی همچنین حق خواهند داشت هر تبعه دولت فرستنده را که طبق رأی دادگاه در حوزه کنسولی آنها زندانی یا توقیف یا بازداشت شده است ملاقات کند. لیکن چنانچه تبعه دولت فرستنده که زندانی یا توقیف یا بازداشت شده است صریحاً نسبت به اقدام مأموران کنسولی از طرف او مخالفت ورزد مأموران کنسولی از این کار خودداری خواهند نمود.»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی